

## تبیین اجزای ساختاری پلیس در پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۹/۱۰ تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۲/۱۵

از صفحه ۵۵ تا ۸۴

محسن رضایی<sup>۲</sup>، حسین غلامی<sup>۳</sup>، شادی عظیم زاده<sup>۴</sup>، عابدین صفری کاکرودی<sup>۵</sup>

### چکیده

**زمینه و هدف:** قاچاق کالا توسط باندها، پدیده‌ای پیچیده و چندبعدی بوده که مستلزم سرمایه‌گذاری، تصمیم‌گیری و مقابله اساسی و منطقی است. لذا هدف این پژوهش، تبیین اجزای ساختاری پلیس در پیشگیری از شکل‌گیری این باندها است.

**روش:** روش اجرای این پژوهش توصیفی - تحلیلی از نوع پیمایشی و جامعه آماری شامل کارشناسان پلیس، ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز، گمرک و سازمان تعزیرات حکومتی است. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه است. برای گردآوری داده‌ها از حجم نمونه ۴۰۰ نفری با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای استفاده شده است. برای تأمین روایی سازه از هم‌سویی با چارچوب نظری تحقیق و برای سنجش پایایی از ضریب آلفای کرونباخ با مقدار ۰/۸۸ استفاده شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز با استفاده از آزمون‌های تی زوجی، تی تک نمونه‌ای، آزمون فریدمن و آزمون کولموگروف-اسمیرنوف انجام شده است.

**یافته‌ها:** یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که در وضعیت موجود، اجزای ساختاری پلیس از قبیل ساختار سازمانی، راهبرد سازمانی، اختیارات قانونی و فناوری اطلاعات پلیس دارای تأثیر بسیار کمی در پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا هستند.

**نتیجه‌گیری:** پلیس برای پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا و همچنین نقش‌آفرینی در افزایش توان اقتصاد مقاومتی و تقویت اقتصاد ملی، باید استفاده از فناوری اطلاعات، تغییر در راهبرد سازمانی و تغییر در ساختار سازمانی پلیس را در اولویت برنامه‌های خود قرار دهد.

**کلید واژه‌ها:** اجزای ساختاری، پلیس، پیشگیری، شکل‌گیری باندها، قاچاق کالا.

**استناد:** رضایی، محسن؛ غلامی، حسین؛ عظیم‌زاده، شادی و صفری کاکرودی، عابدین (بهار ۱۳۹۸). تبیین اجزای ساختاری پلیس در پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا. فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی. ۱۴(۵۳). صص ۵۵-۸۴.

۱. برگرفته از رساله دوره دکتری رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی با عنوان «نقش پلیس در پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا» در سال ۱۳۹۷ در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب است.

۲. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، mohsenrezae3492@gmail.com

۳. دانشیار حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی، نویسنده مسئول: gholami1970@gmail.com

۴. استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، Azimzadehshadi@gmail.com

۵. استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه علوم انتظامی امین، a.s.kakroodi@gmail.com

## مقدمه

قاچاق کالا توسط باندها و گروه‌های سازمان یافته در ایران، علاوه بر آثار سوء اقتصادی، به عنوان یک چالش اقتصادی و اجتماعی در حوزه‌های منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی حائز اهمیت است. همچنین، رواج قاچاق کالا توسط این گروه‌ها و تأثیر سوء آن به عنوان یک عامل بازدارنده توسعه، موجب اختلال در اعمال و اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شده و در نهایت باعث کاهش رشد اقتصادی می‌شود (ابراهیم‌زاده آسمین و عباسیان، ۱۳۸۹، ص ۱۱۰). وضعیت موجود قاچاق کالا در کشور نشانگر این است که طرح‌ریزی و عملیاتی کردن فعالیت‌های مجرمانه باندها به صورت سازمان‌دهی شده با پیچیدگی‌های فراوان در حال گسترش است. شکل‌گیری، رشد و گسترش باندهای قاچاق کالا به حدی است که رهبری در سخنرانی نوروز ۱۳۹۶ و در دیدار با مردم در جوار حرم مطهر رضوی به صورت خاص در مورد برخورد با جرائم این باندها لب به سخن گشوده<sup>۱</sup> و در سخنرانی سال ۹۷ در همان مکان مقدس بار مسئولیت متصدیان این عرصه را سنگین‌تر کردند.

امروزه که در جامعه میزان قاچاق کالا توسط این باندها افزایش یافته و وضعیت اقتصادی کشور دچار اختلال شده است، غالب مردم نگاهشان متوجه پلیس است و بعضاً وضعیت ایجاد شده را حاصل ناکارآمدی پلیس می‌دانند، اما واقعیت آن است که افزایش قاچاق کالا در کشور، معلول ناکارآمدی بسیاری از سازمان‌ها و نهادهای همانند گمرک، وزارت صنعت، معدن و تجارت، ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز ریاست جمهوری، سازمان

۱. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در سخنرانی سال ۱۳۹۶ با انتقاد از کج‌فهمی در مبارزه با قاچاق و برخورد با مغازه‌داران خرد یا برخی مرزنشینان که امرار معاش مختصری از طریق جابه‌جایی کالا دارند، افزودند: «منظور از مبارزه با قاچاق، اینگونه موارد نیست، بلکه باید با باندهای قاچاق برخورد شود». رهبر انقلاب اسلامی با اشاره به آمارهای بالایی که در خصوص قاچاق کالا در کشور مطرح می‌شود، برخورد قاطع و اساسی با این پدیده بسیار مخرب را در گروهی مبارزه با باندهای قاچاق دانستند و افزودند: «حجم عمده قاچاق از مبادی رسمی و مناطق آزاد وارد کشور می‌شود». همچنین ایشان در سخنرانی سال ۱۳۹۷ در حرم امام رضا (ع) بیان فرمودند: «یکی از الزامات حمایت از تولید داخلی مبارزه جدی با قاچاق است که متأسفانه در سال‌های گوناگون، این مبارزه جدی به‌درستی انجام نگرفته است و باید انجام بگیرد. جلوی قاچاق باید گرفته بشود و مردم هم جنس قاچاق را، جنسی را که می‌فهمند این جنس قاچاق است، مقید باشند، متعصبانه این جنس را مصرف نکنند تا قاچاقچی برایش صرفه نداشته باشد که این کار را انجام بدهد. آمارهای کارشناسان جوان ما از تأثیر مخرب واردات بر تولید کشور، آمارهای بسیار مهمی است. کارشناسان جوانی هستند که در این زمینه‌ها کار می‌کنند و بسیار خوب می‌فهمند؛ این‌ها یک آماری را آوردند به بنده دادند و نشان دادند که فلان مقدار واردات، چقدر شغل را در کشور از بین می‌برد! آنوقت ما از بیکاری جوان‌ها مینالیم؛ واردات هم همین‌طور بیخودی مثل سیل وارد کشور می‌شود. پس بنابراین یکی از انواع حمایت هم این است که در داخل با قاچاق و با واردات بی‌رویه مبارزه بشود».

تغزیرات حکومتی و غیره است. لیکن، پلیس مطابق وظیفه ذاتی خود باید تلاش کند تا با اجرای راهکارهای علمی و عملی، فرصت ارتکاب جرم را برای بزه‌کاران و کژمداران به حداقل برساند (داودی دهقانی، ۱۳۹۶، ص ۲).

یکی از راهکارهای علمی و عملی برای پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا تغییر در اجزای ساختاری سازمان پلیس است. همانگونه که در دومین کنگره «پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمان» سازمان ملل متحد که در سال ۱۹۶۰ در لندن برگزار شد، ضمن توجه خاص به نقش پیشگیرانه پلیس بیان شد که اینک زمان آن رسیده که پلیس شمشیرش را غلاف کند یا کنار بکشد و طرز عملش را تغییر دهد و به جای برخورد و مقابله به پیشگیری بپردازد و این جز در سایه تغییرات ساختاری محقق نخواهد شد. تعدیل مواردی از قبیل تمرکز زدایی، واگذاری اختیارات بیشتر به مأموران اجرا، گرایش به سمت جامعه‌محوری به جای نظامی‌گری و غیره می‌تواند به مأموریت پیشگیری از جرم کمک شایانی کند؛ چراکه طرفداران اجرای پیشگیری قاطعانه معتقدند باید به پلیس در عمل میدان داد. ضمناً پیشگیری از جرم با سرشت سازمان‌های پلیس فعلی تناقض دارد و برای عملی شدن آن این سازمان‌ها باید محدوده وظایف، ساختار، فرهنگ سازمانی و اداری خود را تغییر دهند (سلیمی، ۱۳۹۶، ص ۱۱۰). از سوی دیگر، در وضعیت موجود پلیس به عنوان یکی از سازمان‌های متولی مبارزه با قاچاق کالا مطابق قانون ناجا و برخی قوانین دیگر<sup>۱</sup> وظیفه پیشگیری از جرائم قاچاق کالا و پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق را بر عهده دارد. اما ساختار، راهبردها، قوانین، فناوری، آموزش‌ها و فرهنگ غالب حاکم در پلیس باعث شده است که تدوین راهبردها برای رسیدن به هدف که کاهش قاچاق کالا است، بیشتر از مسیر پیشگیری‌های وضعی همانند گشت زنی و ایجاد ایستگاه‌های ایست و بازرسی بگذرد.

۱. در سیاست جنایی تقنینی و اجرایی ایران، پیشگیری از وقوع جرم هم الزامی قانونی و هم منطقی سازمانی در نیروی انتظامی است که طبق شق «د» بند ۸ و بند ۱۸ ماده ۴ قانون نیروی انتظامی مصوب ۱۳۶۹/۴/۲۶ مجلس شورای اسلامی، به عنوان یکی از وظایف و مأموریت‌های عمده و اصلی پلیس تلقی می‌شود. از سوی دیگر، طبق شق «ب» بند ۸ ماده ۴ قانون نیروی انتظامی مصوب ۱۳۶۹/۴/۲۶ مجلس شورای اسلامی، مبارزه با قاچاق یکی از وظایف پلیس محسوب می‌شود. همچنین، قانون‌گذار در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ و در قانون برنامه ششم توسعه مصوب ۱۳۹۶ برای پیشگیری از قاچاق کالا، وظایف و مأموریت‌هایی را برای پلیس تعیین کرده است.

علی‌رغم تلاش‌ها و فعالیت‌های سازمان پلیس، تحول لازم از بعد ساختاری در این سازمان جهت پیشگیری از قاچاق کالا از سوی پلیس صورت نپذیرفته است. عدم تدارک و بسترسازی در این زمینه با توجه به شیوع قاچاق کالا در کشور می‌تواند به انزوای پلیس و کاهش سرمایه اجتماعی و اقتدار آن بیانجامد. پس ضروری است، پلیس با تدارک بستر لازم و متناسب و فراتر رفتن از مرحله شعار و احتراز از برخورد شکلی، زمینه‌های بهره‌گیری از ساختار جدید را برای خود هموار سازد. برای موفقیت در این زمینه، همه عوامل سازمانی پلیس از جمله ساختار سازمانی، راهبرد سازمانی، فناوری، منابع انسانی و غیره باید دارای ویژگی‌های خاصی بوده و از هماهنگی و انسجام برخوردار باشند.

در این زمینه پژوهش‌های متعددی توسط محققان در خصوص تبیین عوامل مؤثر بر قاچاق کالا صورت گرفته است. نتایج بررسی‌ها بیانگر این است که اغلب پژوهش‌های انجام شده در حوزه قاچاق کالا، به صورت کلان و با در نظر داشتن عوامل فرا سازمانی از قبیل عوامل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه بوده و ریشه‌یابی موضوع در سازمان پلیس با لحاظ تبیین اجزای ساختاری پلیس در پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا انجام نشده است. به همین جهت به لحاظ توسعه‌ای بودن پژوهش و جهت بسط و توسعه مطالعات مربوط به این موضوع و همچنین تولید روش‌های جدید یا بهبود آن‌ها، محققان در این پژوهش در صدد تبیین اجزای ساختاری پلیس برای هستند.

در خصوص موضوع این پژوهش نوشتاری که به صورت مستقل در خصوص نقش اجزای ساختاری پلیس در پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا، توصیف و تحلیل کرده باشد، یافت نشد. لذا با توجه به نبود موضوع مشابه این پژوهش در حوزه پلیسی و پیشگیری از جرم، به برخی از پژوهش‌هایی که با اهداف و موضوع این پژوهش نزدیک هستند، اشاره می‌شود.

بیابانی، هندیانی و مقیمی (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «تبیین نقش ناجا در مقابله با جرائم سازمان‌یافته» بیان می‌کنند که در سال‌های اخیر، جرائم تغییرات زیادی کرده و به سرعت از جرائم فردی به سمت جرائم گروهی و سازمان‌یافته حرکت می‌کند، اما سرعت تخصصی شدن پلیس با جرائم سازمان‌یافته هم‌پا نیست، به گونه‌ای که در ساختار پلیس جایگاه مناسبی از جرائم سازمان‌یافته تعریف نشده است. بنابراین، این امر مشکلاتی را متوجه پلیس می‌کند. در این پژوهش بیان شده است که دو دلیل عمده رشد جرائم سازمان‌یافته، یکی سیستم اقتصاد بیمارگونه و دوم حضور گروه‌های تبهکاری در ارکان و

واحدهای سازمانی و اداری است. براساس نتایج حاصل از این پژوهش، مهم‌ترین مسئله، حرکت جرم به سمت سازمان‌یافتگی است، اما در پلیس این جرم متولی مستقیمی ندارد و مهم‌ترین پیامدهای آن را توسعه جرائم سازمان‌یافته و ایجاد زمینه برای شکل‌گیری جرائم می‌توان در نظر گرفت.

اکبری و اکرمی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «نقش پلیس در پیشگیری از جرم قاچاق کالا» سیاست‌های تقنینی، قضایی و اجرایی در پیشگیری از قاچاق کالا را ضعیف ارزیابی می‌کنند. در این پژوهش، جهت پیشگیری از پدیده قاچاق کالا، توجه به لایه‌های پنهان و جایگزینی سامانه جامع الکترونیکی به جای نیروی انسانی و سامان دادن گمرک، نظام ترانزیتی و نظام پولی و بانکی را مهم‌ترین اولویت‌ها بیان می‌کنند و در نهایت چنین نتیجه‌گیری می‌شود که کلیه برنامه‌های پلیس باید در راستای شعارها و ارزش‌های سازمانی پلیس و رویکردهای نوین پیشگیری از جرم باشد. تخطی از این ارزش‌ها و رویکردهای سازمانی منجر به دور شدن پلیس از اهداف پیشگیرانه و خطر گسترش مداخله‌های سرکوب‌گرایانه خواهد شد.

علیدادی کوزری (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «تبیین و ارائه الگوی ارتباط پیشگیری از بحران قاچاق کالا با رویکرد سیکل‌های تجاری» با نگرشی جدید نسبت به این پدیده بیان می‌دارد که ورود غیرقانونی کالا به داخل کشور بسیار زیاد است و اگر برای آن چاره‌جویی نشود، مملکت را با بحران اقتصادی، اجتماعی و به تبع آن سیاسی رو به رو خواهد کرد. در این پژوهش بیان شده که جهت کنترل و پیش‌بینی وضعیت آتی قاچاق کالا در ایران و جلوگیری از تبدیل شدن آن به بحران باید پیشگیری در اولویت قرار گیرد. نگارنده در این پژوهش بر آن بوده تا مباحث جدید در خصوص پیشگیری را مورد بررسی قرار دهد، از این رو، تمرکز بر مباحثی چون علت‌شناسی قاچاق کالا، قاچاق بانندی، قاچاق کلان از مبادی رسمی، پیشگیری از قاچاق کالا را مورد توصیف و تحلیل قرار داده است.

جان پرور و قصری (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «تبیین عوامل اثرگذار بر قاچاق کالا در طول مرزها راهبرد اولیه مدیریت مرزهای ایران» به شناسایی و تبیین عوامل اثرگذار بر قاچاق کالا پرداخته‌اند. در این پژوهش سعی شده است که به ابعاد گوناگون پدیده قاچاق کالا و ارزیابی برنامه‌های کنترلی در برابر آن پرداخته شود. محققان در این پژوهش به این نتیجه رسیده‌اند که شناخت این عوامل، گام اولیه حرکت برای مدیریت و کنترل مرزهای ایران است و در پایان، علل و عواملی که باعث موفقیت یا عدم موفقیت به اهداف مربوطه

شده را بیان و راهکارهایی برای بهبود وضعیت ارائه کرده‌اند. همچنین، گل‌پرور (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «تبیین سیاست جنایی ایران در قبال جرائم قاچاق و جرائم گمرکی»، مبانی نظری، فرآیند مبارزه، جرم‌انگاری، ساختار و پاسخ‌ها و سازوکارهای کنشی و واکنشی لازم را مورد بررسی قرار داده است. در این پژوهش بیان می‌شود که امروزه قاچاق گمرکی از مشکلات جدی اقتصاد کشورهای در حال توسعه از جمله کشور ایران است. پدیده قاچاق گمرکی و جرائم مربوط به آن در کشور ما واقعیتی کتمان‌ناپذیر است که به دلایل مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آثار نامطلوب و زیان‌باری را بر نظام اقتصادی کشور وارد می‌کند و با ایجاد بی‌ثباتی و اخلال در برنامه‌ریزی کشور سایر ابعاد حکومتی را نیز تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. به‌طور کلی، عواملی چون موقعیت جغرافیایی کشور و داشتن مرزهای طولانی با کشورهای همسایه، هم‌جواری با مناطق و کشورهای قاچاق خیز، نبود دولت‌های مقتدر در همسایگی کشورمان، وجود معبرهای مختلف در مرزهای آبی و خاکی از جمله مناطق آزاد، بازارچه‌های مرزی و سایر مبادی ورودی از عوامل تشدیدکننده قاچاق گمرکی و قاچاق کالا در کشورمان است.

صوفی (۱۳۸۳) در پژوهشی با عنوان «نقش پلیس در کنترل و مبارزه با جرائم اقتصادی با تأکید بر قاچاق کالا» بیان می‌کند که بررسی‌های صورت گرفته حاکی از آن است که نقش‌های اطلاعاتی و امنیتی، مرزبانی، قضایی و انتظامی پلیس به ترتیب مهم‌ترین نقش‌های پلیس بوده که در کنترل و مبارزه با قاچاق مؤثر هستند. در این پژوهش از بین شاخص‌های مطرح‌شده در هر نقش، گسترش منابع و مخبرین و جمع‌آوری اخبار از شبکه‌ها و باندهای قاچاق کالا در نقش اطلاعاتی و امنیتی، کنترل مرزها با ایجاد پاسگاه‌های مرزی در نقش مرزبانی، هماهنگی مناسب با دستگاه قضایی در نقش قضایی و جلب مشارکت جامعه در نقش انتظامی، مهم‌ترین شاخص‌های پلیس در کنترل و مبارزه با قاچاق کالا بیان شده است.

نتیجه پیشینه‌های بررسی‌شده نشان می‌دهد، اکثر پژوهش‌هایی که در خصوص آثار قاچاق کالا بر اقتصاد کشور انجام شده‌اند، بیشتر بر عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی در گرایش به قاچاق کالا تأکید دارند و به نقش پلیس خصوصاً نقش اجزای ساختاری سازمان پلیس در این زمینه، نپرداخته‌اند. بنابراین، انجام پژوهشی مستقل که به تبیین اجزای ساختاری پلیس برای پیشگیری از قاچاق کالا توسط باندها و گروه‌های منسجم و سازمان یافته بپردازد یک ضرورت غیر قابل انکار است.

جامعه‌شناسان و جرم‌شناسان سعی کرده‌اند چگونگی شکل‌گیری باندهای بزهکاری را در جامعه تبیین کنند. در این قسمت به تبیین مهم‌ترین علل شکل‌گیری باندهای بزهکاری با توجه به برخی از نظریه‌های جرم‌شناسی برای اطلاع از نحوه شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا و تطبیق آن‌ها با وضعیت موجود کشور پرداخته شده است.

### تبیین علل شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا

- **نظریه انتخاب عقلانی:** نظریه انتخاب عقلانی مبتنی بر رویکرد هزینه - فایده بوده و بیان می‌کند که افراد، همواره کنش‌های خود را بر مبنای معیار هزینه - فایده تحلیل می‌کنند و اصولاً زمانی تن به اقدام مجرمانه می‌دهند که منافع حاصل از آن بر هزینه‌هایش فائق آید. به عبارت دیگر، بزهکاری به مثابه اقدامی غیرقانونی، در بردارنده هزینه‌هایی برای افرادی است که به آن مبادرت می‌ورزند (کرنیش کلارک<sup>۱</sup>، ۱۹۸۶، ص ۱۶). در مجموع، براساس تحلیل هزینه‌ها و منافع ملازم با بزهکاری، افراد مبادرت به انجام بزه می‌کنند (بکر<sup>۲</sup>، ۱۹۶۸، صص ۱۶۹-۲۱۷).

با توجه به نظریه انتخاب عقلانی می‌توان این تحلیل را داشت که در ایران آنچه میزان تقاضا برای قاچاق کالا و شکل‌گیری باندها را تعیین می‌کند، کم هزینه بودن قاچاق کالا است که این امر احتمال ارتکاب آن را افزایش می‌دهد.

در سال‌های اخیر کشور با مشکلاتی نظیر رکود اقتصادی، فقدان تحرک و پویایی در تولید و کاهش بازدهی نیروی انسانی، ساختار ناسالم تولید، وابستگی بیش از حد به درآمدهای نفتی، گسترش غیر کارآمد بخش خدمات، رکود سرمایه‌گذاری، بیکاری مزمن و گسترده و توزیع ناکارآمد، عدم ثبات قوانین و مقررات، نقدینگی وسیع و متمرکز، دخالت وسیع دولت در حوزه بخش عمومی، عدم استفاده از ظرفیت‌های تولیدی و اتلاف منابع سرمایه‌ای و انسانی بوده است (شادنیا، ۱۳۸۴، صص ۲۴-۲۵). بنابراین، مشکلاتی همچون حجم و تنوع وسیع قاچاق کالا به کشور و قبل از آن عوامل پیدایش و گسترش آن را باید ناشی از کم‌هزینه بودن قاچاق کالا در کشور و سودمند بودن آن دانست.

هزینه‌بر بودن قاچاق به عوامل مختلفی از جمله قاطعیت نظام قضایی در برخورد با قاچاقچیان، کارایی ساز و کارهای نظارتی و بازرسی در شناسایی موارد قاچاق حرفه‌ای،

1. Cornish & Clark

2. Becker

حساسیت رسانه‌ها و افکار عمومی، کیفیت فرصت‌های شغلی در بازار آزاد و قبح و زشتی قاچاق کالا در فضای عمومی جامعه بستگی دارد. اگر پلیس و نظام قضایی در پیشگیری و مجازات قاچاقچیان سهل‌انگار و آسان‌گیر و منفعل و سازوکارهای نظارتی از اثربخشی لازم در پیشگیری و شناسایی باندهای قاچاق برخوردار نباشند یا سیاستمداران در وقوع و گسترش قاچاق دست داشته باشند، هزینه‌های ارتکاب آن کاهش و احتمال وقوع و شکل‌گیری آن‌ها افزایش می‌یابد.

- **نظریه فرصت افتراقی:** در نظریه فرصت افتراقی، ریچارد کلوارد<sup>۱</sup> و لوید اوهلین<sup>۲</sup> عقیده دارند که افراد متعلق به طبقه کارگر و خرده فرهنگ‌های اجتماعی و اقتصادی فرودست، معمولاً طالب دست‌یابی به موفقیت به شیوه‌های قانونی هستند، اما جامعه فرصت‌های مشروع رسیدن به هدف را از آن‌ها دریغ می‌کند. حاصل این محدودیت، ناامیدی جدی این افراد از نیل به برخورداری‌های مشروع است و این وضعیت احتمال پیدایش جرم را بیشتر می‌کند. در این نظریه، فرض بر این است که اشخاص پرورش‌یافته در محلات پر ازدحام و فقر زده، اهداف مرسوم را می‌پذیرند و همان اهدافی که متعلق به طبقه متوسط است را تصدیق می‌کنند. ولی شکل‌گیری بزه در میان این افراد از این تمایز نشئت می‌گیرد که در واقع کنشی است در برابر نوعی فشار ناشی از کشش بین آن‌چه می‌خواهند و آن‌چه که امکان دسترسی بدان را دارند. جرم‌ها و کژروی‌های آن‌ها نیز با تکیه بر همین مفهوم، نوعی دست‌یازیدن به شیوه‌ها و ابزارهای غیرمجاز برای دسترسی به غایت‌های مقبول و مرسوم قلمداد می‌شود (سلیمی و داوری، ۱۳۸۷، ص ۲۳۸). کلوارد و اوهلین با کوهن موافقتند که اکثر جوانان بزهکار از قشرهای پایین طبقه کارگر هستند و آن‌ها در تحقیقات خود دریافتند که باندهای بزهکاری در آن دسته از اجتماعات خرده فرهنگی پا می‌گیرند که بخت اندکی برای دسترسی مشروع به موقعیت دارند؛ مثل اقلیت‌های قومی محروم (گیدنز، ۱۳۸۹، ص ۳۰۳).

با توجه به این نظریه، در خصوص شیوع قاچاق کالا و شکل‌گیری باندها می‌توان چنین تحلیل کرد که بینش و رویکرد قاچاقچیان و سرمایه‌گذاران قاچاق به مسائل اجتماعی، نگاهی شخصی، منفعت طلبانه و کوتاه‌مدت است. قاچاقچیان دارای رویکردی

1. Richard Cloward.

2. Loyd Ohlin.



تقلیل‌گرایانه از مسائل زندگی هستند و سعی بر آن دارند که از هر طریق ممکن در راستای سودآوری خویش حرکت کنند. علاوه بر این، مفهوم منافع و مصلحت ملی از جایگاه به مراتب پایین‌تری نسبت به سایر اقشار جامعه در بینش قاچاقچیان برخوردار است.

- **نظریه کنترل اجتماعی:** دورکیم معتقد است که هنجارها و معیارهای سنتی در جوامع مدرن متزلزل می‌شوند بدون آنکه هنجارها و معیارهای تازه‌ای جای آن‌ها را بگیرند. هرگاه معیارهای روشن و شفافی برای هدایت افراد در حوزه معینی از زندگی اجتماعی وجود نداشته باشد، آنومی پدید می‌آید. به نظر وی، بی‌هنجاری وقتی به وجود می‌آید که در حوزه معینی از زندگی اجتماعی معیارهای روشنی برای راهنمایی رفتار وجود نداشته باشد. او همچنین بیان می‌کند که تضعیف الزام‌ها و فشارها سبب می‌شود تا افراد به حال خود رها شوند. لذا آرزوهای نامحدود افراد، لجام‌ها را گسسته و فشارهایی را بر افراد وارد می‌کند تا به رفتارهای کج‌روانه دست بزنند. به نظر دورکیم، علت اصلی تحقق آنومی تحولات شتاب‌زده اقتصادی است (سلیمی و داوری، ۱۳۸۹، ص ۳۲۶).

با توجه به نظریه کنترل اجتماعی در خصوص قاچاق کالا می‌توان چنین برداشت کرد که اگر در جامعه، ارزش‌های مادی و نیازهای روزافزون به انواع کالاها گسترش یابد، اما درآمد افراد برای دستیابی به این کالاها کافی نباشد و کنترل و نظارت قوی وجود نداشته باشد، فرد را به فعالیت‌های مجرمانه اقتصادی از جمله قاچاق سوق می‌دهد. به نظر می‌رسد این حالت از سال ۱۳۶۸ پس از پایان جنگ تحمیلی و بالا رفتن نیازهای رفاهی مردم و تغییر ارزش‌ها و نیازهای جدید بین مردم به طور محسوس مشاهده شد که خود عامل پیدایش و گسترش قاچاق شده است (صوفی، ۱۳۸۳، ص ۷۶).

### عوامل مؤثر ساختاری پلیس در پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا

- **ساختار سازمانی:** ساختار، مبین شکل و تخصص فعالیت‌های سازمان و تعیین‌کننده چگونگی قرار گرفتن اجزاء در کنار یکدیگر است. ساختار سازمانی باید توان تسریع و تسهیل تصمیم‌گیری، واکنش مناسب نسبت به محیط و حل تعارضات بین واحدها را داشته باشد. ارتباط بین ارکان اصلی سازمان و هماهنگی بین فعالیت‌های آن و بیان ارتباطات درون سازمانی از نظر گزارش‌دهی و گزارش‌گیری از وظایف ساختار سازمانی است (محمدنسل و جزینی، ۱۳۸۹، ص ۱۰). در این راستا، مسئولان و متولیان مبارزه با قاچاق کالا در سازمان پلیس معتقدند که ساختار سازمانی فعلی پلیس قادر به پیشگیری

و مقابله با قاچاق از مبادی رسمی نیست.<sup>۱</sup>

در جمهوری اسلامی ایران چهار دستگاه شامل ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز، سازمان تعزیرات حکومتی، گمرک و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی به طور مستقیم در کار مبارزه با قاچاق کالا مسئولیت داشته و شش دستگاه دولتی دیگر شامل بانک مرکزی، سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی، سازمان بنادر و کشتیرانی، دادگاه انقلاب، سازمان بازرسی و نظارت بر قیمت کالا و ستاد اجرایی فرمان امام (ره) به نحوی در این کار همکاری دارند. در کشورهای دیگر همانند جمهوری خلق چین، مسئولیت اصلی مبارزه با قاچاق کالا به عهده گمرک بوده و اداره کل گمرک که در رأس آن وزیر گمرکات قرار می‌گیرد، عالی‌ترین مرجع تصمیم‌گیری و اجرایی در این امر است. در این خصوص، پلیس مبارزه با قاچاق، مسئولیت اصلی پشتیبانی انتظامی در این زمینه را بر عهده داشته و زیر مجموعه گمرک تلقی می‌شود. پلیس عمومی امنیت مرزی و پلیس مسلح خلق چین نیز یاری‌رسان آن هستند. ادارات دولتی دیگری نظیر نهادهای مالیاتی، اداره فعالیت‌های صنعتی و بازرگانی، سازمان‌های زیر مجموعه دخانیات و غیره در کنار گمرک و پلیس، در کشف موارد قاچاق به ایفای نقش می‌پردازند اما همه موارد باید جهت رسیدگی نهایی به گمرک محول شود (فصیحی و منصورقناعتی، ۱۳۸۸، ص ۸).<sup>۲</sup>

- **راهبردهای سازمانی:** از میان همه واکنش‌های صورت گرفته توسط اجتماعات محلی برای کنترل گروه‌های بزهکاری قاچاق کالا، تأسیس یگان‌های تخصصی پلیس ضد باندهای قاچاق کالا، رایج‌ترین راهبرد پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا است (مومنی، ۱۳۹۳، صص ۷۳-۷۷). پلیس باید برای پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا در برنامه راهبردی به تبیین و تحلیل فرصت‌ها، تهدیدها، قوت‌ها و ضعف‌ها بپردازد و براساس آن، چشم‌انداز، مأموریت و راهبردهای پیشگیری از جرم را در سه برنامه کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت به عنوان استراتژی‌های اقدام در زمینه پیشگیری از

۱. سردار اسکندر مؤمنی در تاریخ ۹۶/۱۰/۵ در دیدار با آیت‌الله جوادی آملی از تشکیل پلیس گمرک خبر داده است. وی با بیان اینکه طی درخواست فرمانده نیروی انتظامی به ستاد کل نیروهای مسلح این مهم ابلاغ و به زودی شاهد تشکیل پلیس گمرک خواهیم بود تا با حضور نیروی انتظامی در مبادی رسمی کنترل بیشتری انجام شود. در این خصوص سردار «محمد رضا مقیمی» در همایش تخصصی مبارزه با قاچاق کالا و ارز در تاریخ ۱۳۹۶/۹/۲۸ بیان کردند که پیگیری استقرار پلیس در مبادی رسمی با اولویت استقرار در پنج گمرک مهم کشور همچون گمرک شهید رجایی در راستای پیشگیری و مقابله با قاچاق از مبادی رسمی و همچنین مقابله با قاچاق خرد که به صورت سازمان یافته وارد کشور می‌شود از اولویت‌های پلیس است.

۲. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به دو ماهنامه پژوهشی ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز، شماره ۸، مرداد و شهریور ۱۳۸۸.

شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا تدوین کند.

- **اختیارات قانونی:** در ارتباط با نقش پیشگیرانه پلیس در شکل‌گیری باندهای قاچاق می‌توان به بی‌توجهی به قابلیت‌های پلیس و فقدان منابع تقنینی اشاره کرد. کمبود اختیارات قانونی پلیس از یک طرف موجب انفعال پلیس و از سوی دیگر، ابتکار عمل بعضی از اقدامات را از پلیس سلب کرده و حداقل باعث می‌شود که پلیس نتواند حضور فعال خود را در برخورد با باندهای بزهکاری جامعه نشان دهد.

از ابتدای انقلاب اسلامی در کشور قوانین متعددی دربارهٔ مبارزه با پدیدهٔ قاچاق کالا و ارز به تصویب رسیده و به کرات مورد بازبینی و اصلاح قرار گرفته‌اند. در این خصوص، قانون‌گذار ایرانی با در نظر گرفتن نظریهٔ بازدارندگی مجازات و بدون در نظر گرفتن علل و عوامل دیگر و بررسی کارشناسی و جرم‌شناسی موضوع، صرفاً با توجه به این دیدگاه که مجازات‌های شدید، می‌توانند بازدارنده باشند، همچنان مجازات مقرر شده در قانون را نسبت به قانون قبلی، شدیدتر کرده است. این امر نه تنها توفیقی در کاهش قاچاق کالا و ارز نداشته، بلکه به لحاظ شرایط خاص اقتصادی و سیاسی ایران، نامتناسب بودن قوانین و مقررات مربوط به قاچاق، توسعه‌نیافتگی مناطق مرزی کشور، فقر گستردهٔ اقتصادی، بالا بودن سطح بیکاری، وجود قوانین سخت‌گیرانه برای واردات و صادرات کالا و نیز تعدد مراکز تصمیم‌گیری در این خصوص، پدیدهٔ قاچاق روز به روز گسترده‌تر شده است. لیکن در وضعیت کنونی با بهره‌گیری از مزیت‌های قانون جدید مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ به‌ویژه فصل دوم<sup>۱</sup> (پیشگیری) و همچنین قانون برنامهٔ ششم توسعه<sup>۲</sup>، اولویت پلیس در پرداختن به علل و ریشه‌های قاچاق توأم با تشدید مبارزه با قاچاق

۱. برای مطالعهٔ بیشتر رجوع کنید به مواد ۶ تا ۱۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲.

۲. قانون‌گذار در بند ج مادهٔ ۴۶ قانون برنامهٔ پنج‌ساله ششم توسعهٔ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۶-۱۴۰۰) به منظور رونق تولید، نوسازی صنایع، حمایت هدفمند از صنایع دارای اولویت سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و همچنین توسعهٔ صادرات غیرنفتی، دولت و دستگاه‌های اجرایی را با همکاری سایر قوا مکلف کرده است به گونه‌ای برنامه‌ریزی و اقدام کند که حداقل سالانه ده درصد ورود کالای قاچاق در طول سال‌های اجرای قانون برنامه، کاهش یابد و از سال اول اجرای قانون برنامه از فعالیت مبادی ورودی غیرمجاز زمینی و دریایی که خارج از کنترل گمرک است، جلوگیری به عمل آورده و گزارش سالانه آن را به مجلس شورای اسلامی ارائه کند. همچنین، در بند ب مادهٔ ۱۰۸ همین قانون به منظور کنترل و مبارزه مؤثر با قاچاق کالا به نیروی انتظامی و گمرک اجازه داده می‌شود، نسبت به نصب، راه اندازی و به روزرسانی سامانه‌های کنترل خودروبی بارگنجی (کانتینری-ایکسری) در مبادی گمرکی، ورودی و خروجی مرزها و ایستگاه‌های بازرسی و کنترلی ناجا از طریق اشخاص و مؤسسه‌های حقوقی غیردولتی اقدام کنند، مدیریت و بهره‌برداری از این سامانه‌ها حسب مورد در اختیار نیروی انتظامی و گمرک است.

سازمان یافته و نیز زمینه‌سازی برای مشارکت حداکثری دستگاه‌های متولی مبارزه با قاچاق کالا در فرآیند تصمیم سازی و مبارزه از جمله اقدام‌های ممکن برای پلیس در خصوص پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا است. پلیس در همسو کردن اقدامات پیشگیرانه و مقابله‌ای با امر قاچاق و نفوذ اقتصادی قاچاقچیان دانه درشت با اتخاذ شیوه‌های کارآمد در جهت شناسایی شیوه‌ها و شگردهای قاچاق سازمان یافته و تقویت اقدامات پیشگیرانه با اصلاح خلأهای قانونی موجود می‌تواند در جهت به روز کردن ابزارهای نظارتی و ردیابی ریشه‌های اقتصادی باندهای کلان قاچاق کالا گام‌های مؤثری در ایجاد زیرساخت‌های مناسب برای حمایت از تولیدات ملی و اجرای دقیق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی بردارد.

- **تکنولوژی و فناوری اطلاعات:** در مورد قاچاق کالا، پیش از این سخن از پیشگیری از آن با استفاده از تدابیر سنتی نظیر حفر خندق، نصب سیم‌خاردار، ایجاد حائل‌های مرزی، کنترل انسانی و کشیدن دیوار می‌شد. با تصویب قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲، فصل دوم این قانون، به پیشگیری از قاچاق کالا اختصاص یافت. در این فصل، مقنن با اتخاذ تدابیری که عمدتاً رویکردی موقعیت‌مدار دارند، در صدد پیشگیری از قاچاق کالا و ارز بر آمده است.

امروزه با اینکه لزوم اتخاذ تدابیر سنتی زیر سؤال نرفته، اما غلبه استفاده از ابزارهای فرصت‌زدای مبتنی بر فناوری بیشتر شده است. لذا در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ نیز «پیشگیری وضعی فناورانه» بر سایر تدابیر پیشگیرانه وضعی به نحو محسوسی غلبه دارد. لذا مقنن از گذر برنامه‌هایی با کارکرد یکپارچه‌سازی اطلاعات، الکترونیکی کردن اسناد و نظارت فناورانه بر مبادی ورودی و خروجی و مسیرها در صدد پیشگیری از قاچاق کالا است. بررسی تدابیر پیشگیرانه در این قانون نشان می‌دهد که این تدابیر عمدتاً بر پایه افزایش تلاش و افزایش خطر ارتکاب جرم قابل تحلیل هستند (صبوری پور و صفایی آتشگاه، ۱۳۹۵، ص ۱۹۷).

- **حساسیت و نگاه کلان:** در جرم قاچاق کالا برخلاف سایر جرائم به غیر از برخی موارد نادر معمولاً شاکی خصوصی (بزه‌دیده) وجود ندارد. نگاه عامه مردم نیز به قاچاقچیان با سایر مجرمان متفاوت است. به عنوان نمونه، آن‌ها سرقت و مواد مخدر را زشت می‌دانند و نسبت به سارق احساس تنفر و بیزاری خاصی دارند، اما به فرد قاچاقچی اینگونه نگاه نمی‌کنند و اساساً قاچاق را پدیده شومی نمی‌دانند و این نگاه حتی در میان نیروهای

پلیس و مسئولانی که وظیفه برخورد با این پدیده شوم را دارند نیز وجود دارد؛ به طوری که آن‌ها حاکمیت را به سبب کمبودها و کاستی‌های موجود در جامعه خصوصاً در موضوعاتی همچون اشتغال مقصر دانسته و مستوجب سرزنش می‌دانند. لذا همین علت باعث شده که در بسیاری از مواقع تصمیم‌گیری‌ها از شدت و قاطعیت لازم برخوردار نباشد. اما باید توجه داشت که با گسترش قاچاق کالا به شکل باندهای و حرفه‌ای، آثار زیان‌بار و مخربی از جمله عدم تحقق عدالت اجتماعی، فلج شدن رشد و توسعه اقتصادی جامعه، گسترده‌گی فساد اداری، تضعیف حکومت و برهم زدن نظم و امنیت ملی خواهد داشت. به بیان دیگر، باورمند کردن میل، نیاز و ضرورت مبارزه با قاچاق و تجارت غیرقانونی و در شکل کلان خود برخی از رویه‌ها و فرایندهای تجاری و اقتصادی، هم در سطوح اجتماعی و هم در سطوح کلان اجرایی خود می‌تواند بخش زیادی از معضل قاچاق و تجارت غیرقانونی در کشور را حل کند. در واقع، همین نگاه کلان، حساسیت و باورمندی به تغییر و ایجاد اجماع مفهومی در حول این اصل بود که اقتصاد ژاپن و کره را به سطح کنونی یعنی یک اقتصاد پویا و سالم انتقال داد و همچنین معماری جدیدی از سال ۱۹۷۹ در اقتصاد چین ایجاد کرد. بنابراین، باید گفت که ایجاد این حساسیت و تغییر ارزشی و نگرشی در سطوح مختلف اجرایی متناسب با سطح هشدارهای مقام معظم رهبری<sup>(مدظله‌العالی)</sup> در بحث قاچاق کالا یکی از اولویت‌های استراتژیک پلیس در بحث مبارزه با قاچاق کالا است که به نظر می‌رسد پلیس تا حدود زیادی در این مهم موفق عمل نکرده است.

- سرمایه‌گذاری: قاچاق کالا به عنوان یک معضل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، جنبه ملی داشته و مستلزم سرمایه‌گذاری، تصمیم‌گیری و مقابله اساسی و منطقی است. در این خصوص، علیرغم اهمیت موضوع پس از گذشت حدود چهار دهه از انقلاب اسلامی هنوز دیدگاه واحدی نسبت به مبارزه با قاچاق و کنترل آن وجود ندارد و گروهی آن را یک معضل اقتصادی محض دانسته و تنها راهکارهای اقتصادی و سیاست‌های تجاری، پولی و مالی را جهت مقابله، مناسب می‌دانند. برخی نیز آن را صرفاً یک جرم پیچیده محسوب می‌کنند و اعتقاد به یک مبارزه مقطعی پلیسی و به‌کارگیری مکانیزم‌های کنترلی همانند مجازات‌ها را مناسب می‌دانند. براساس این دیدگاه‌ها، تاکنون در رابطه با اصلاح ساختارها و روش‌ها در خصوص تجهیز کردن سیستم‌های کنترلی و نظارتی در پلیس سرمایه‌گذاری مؤثری انجام نشده است.

پلیس با سرمایه‌گذاری در اجرای پیاده‌سازی سامانه جامع پیشگیری از قاچاق کالا و راه‌اندازی زیر سامانه‌های آن<sup>۱</sup> به نحو قابل توجهی محیط‌های امن کشور خصوصاً گمرکات را برای قاچاقچیان ناامن خواهد کرد و با بهره‌گیری از قابلیت‌ها و ظرفیت‌های سامانه‌های الکترونیکی، عرصه بر قاچاقچیان روز به روز تنگ‌تر می‌شود.

**ویژگی‌های باندهای قاچاق کالا در کشور:** قاچاق کالا معمولاً در قالب شبکه یا سازمان انجام می‌شود. این سازمان‌های مجرمانه، ساختاری بسیار کارآمد و مؤثر دارند و از انعطاف فوق‌العاده‌ای برخوردارند. علاوه بر این، باندهای قاچاق کالا در عین حال که بسیار بومی، محلی و منطقه‌ای عمل می‌کنند، با ویژگی‌های جغرافیایی، طبیعی و انسانی محیط فعالیت خود، تناسب کامل دارند و از طریق پیوندهای بین شبکه‌ای، گستره فعالیت خود را به فراتر از مرزهای ملی می‌کشاند (حاجیان، ۱۳۸۸، ص ۱۲). این نوع از باندها برای توفیق و آزادی عمل و ارتکاب جرائم باید بخشی از توان اعضای سازمان‌های دولتی را با خود همراه کنند و به همین خاطر، سازمان‌های دولتی تابعی از متغیر جرائم باندی مبتلابه جامعه بوده؛ چراکه در فرآیند اعمال مجرمانه، آن‌ها توانسته‌اند تعداد قابل توجهی از کارکنان سازمان‌های مختلف دخیل در امر واردات و صادرات را با خود هم‌دست کرده و به وادی انحراف و انحطاط بکشانند که فرجام نهایی آن موجب ضعف اقتدار کشور، نارضایتی شهروندان، سلب امنیت از جامعه و اخلاف در نظام اقتصادی می‌شود. اگرچه در مورد باندهای قاچاق کالا در مناطق مختلف آمار و اطلاعات دقیق وجود ندارد، اما به صراحت می‌توان گفت که در درآمد بالای این باندها، افراد و شخصیت‌های گوناگونی از طیف‌های مختلف اعم از کارکنان دولت، رانندگان، واردکنندگان و صادرکنندگان، اصناف و غیره را به سمت عضویت و همکاری جذب و اصولاً معیشت و درآمد افراد زیادی از طریق همکاری و عضویت در اینگونه باندها تأمین می‌شود. اعضای جذب‌شده در باندهای قاچاق کالا افرادی قانون‌دان، قانون‌شکن، قانون‌گریز، با نفوذ، فریبکار، جاعل، تمایل به کسب درآمد بیشتر در زمان کمتر، روحیه خطرپذیری بالا، تقلید از دیگران، فرصت‌طلب،

۱. ماده پنج قانون مبارزه با قاچاق کالا عمدتاً درباره سامانه‌های مورد نیاز در زمینه مبارزه با فساد و قاچاق کالا و ارز است. این ماده دولت را مکلف کرده به منظور پیشگیری از ارتکاب قاچاق و شناسایی نظام‌مند آن، با پیشنهاد ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز و پس از ابلاغ رئیس جمهور، سامانه‌های الکترونیکی و هوشمند جدید مورد نیاز جهت نظارت بر فرآیند واردات، صادرات، حمل، نگهداری و مبادله کالا و ارز ایجاد و راه‌اندازی کند. ماده شش این قانون نیز به تکالیف دستگاه‌ها و وزارتخانه‌های مرتبط همچون وزارت صنعت، معدن و تجارت، وزارت اقتصاد و امور دارایی، گمرکات جمهوری اسلامی ایران و غیره درباره این سامانه‌ها پرداخته است.

تجمل‌گرا، برخوردار از رانتهای اطلاعاتی و اخبار خاص، دارای هنجارمندی ظاهری، انجام فعالیت بدون خشونت، رویت‌ناپذیر و غیرقابل شناسایی، پویا و نوآور در روش‌های قاچاق هستند. همچنین، این افراد توجهی به حقوق دیگران و ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی و دینی جامعه ندارند و حاضرند در راستای سود و منفعت خود از سد این هنجارهای اجتماعی عبور کنند. اصولاً منافع ملی و منزلت اجتماعی جامعه، جایگاهی در بینش قاچاقچیان ندارد. با این وجود، باید بین دو دسته از افراد زیر که به امر قاچاق کالا مبادرت می‌ورزند، تفاوت قائل شد؛ افرادی که در اثر فقر فرهنگی و اقتصادی اقدام به این کار می‌کنند. این گروه بیش‌ترین افراد درگیر در قاچاق را شامل می‌شود و شاید بتوان ادعا کرد که درصد بالایی از فعالیت قاچاق کشور مربوط به این گروه است. پیشرفت و توسعه اقتصادی، ایجاد فرصت‌های شغلی و اشتغال‌زایی، رشد فرهنگی جامعه و دیگر چاره‌اندیشی‌ها که جامعه باید اعمال کند، اثر تعیین‌کننده‌ای بر فعالیت این گروه در زمینه قاچاق خواهد داشت و افرادی که صرفاً با هدف و انگیزه سودجویانه و مال‌اندوزی مبادرت به قاچاق می‌کنند. این گروه بسیار حساب‌شده با آگاهی از قوانین و مقررات و با استفاده از خلأ در تدابیر اتخاذ شده برای جلوگیری از قاچاق کالا، نظیر عدم کنترل دقیق و منظم مرزها و مبادی ورودی و خروجی، اقدام به قاچاق کالا در سطح وسیع کرده و محموله‌های قاچاق را فراری می‌دهند. معمولاً این گروه از باندهای قاچاق کالا زنجیره‌های تجارت را از طریق هجوم و خودداری از پرداخت مالیات و عوارض، قاچاق کالا، پول‌شویی و تجارت کالاهای جعلی استثمار کرده و امنیت اقتصاد ملی را تهدید می‌کنند.

**سیاست‌های اقتصادی مولد شکل‌گیری و گسترش باندهای قاچاق کالا:** در یک دسته‌بندی کلی، عوامل به وجود آورنده قاچاق، به سه دسته عوامل اقتصادی، سیاسی و فرهنگی - اجتماعی تقسیم می‌شود. از نظر اقتصادی، مهم‌ترین علل قاچاق را می‌توان به تفاوت قیمت‌ها در بازارهای داخلی و خارجی به ویژه در مورد کالاهای داخلی باراندار به علاوه عواملی همچون تشریفات اداری صدور قانونی کالا، سیاست‌های حمایتی و محدودکننده دولت برای واردات بعضی کالاها، بیکاری و توزیع ناعادلانه درآمدها بین اقشار مختلف جامعه، فقدان کارآمدی نظام بانکی کشور برای کنترل نقدینگی‌های سرگردان و پول‌شویی اشاره کرد. عواملی نظیر دشمنی با کشور، تحریم‌های اقتصادی و فقدان دولت‌های مقتدر در همسایگی کشورمان، در دسته عوامل سیاسی جای می‌گیرند. در زمره دلایل فرهنگی - اجتماعی می‌توان به رونق بازار قاچاق کالا، تمایل اقشار پردرآمد

برای مصرف کالاهای لوکس و تجملی، حجم وسیع تبلیغات کالاهای خارجی و تشویق به مصرف آن‌ها در رسانه‌های جمعی اشاره کرد (بهرامی و قاسمی، ۱۳۸۴، ص ۶۹).

همچنین، عواملی مانند عدم درک مشترک در خصوص منافع ملی و نوسانات شدید در سیاست‌گذاری، وجود انحصارات، محدودیت‌ها، مقاومت‌های شدید ساختاری، کارکردی و هنجاری در بازرگانی قانونی، تداوم اتخاذ تصمیمات و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و تجاری متناقض، وجود انحصارات و فضای رانتی، وجود یارانه زیاد توأم با بی‌عدالتی در توزیع یارانه‌ها، دخیل بودن برخی از کارکنان دولت در امر قاچاق، ضعف شدید امکانات و نیروی انسانی ماهر در گمرکات علی‌رغم گسترش کمی مراکز گمرکی، عدم بازدارندگی مناسب و کافی مجازات قاچاقچیان، طولانی شدن روند رسیدگی به پرونده‌های مهم قاچاق و افزایش میزان مصرف کالای لوکس و خارجی به سبب تغییر فرهنگ و الگوی مصرف جامعه از عوامل تشدیدکننده قاچاق کالا در کشور است (سبحانی نژاد و افشار، ۱۳۸۸، ص ۸). از سوی دیگر، در کشور ایران به علت ضعف در زیرساخت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سال‌های گذشته، گسترش و فراگیری ورود و عرضه قاچاق کالا مشهود بوده که همین فراگیری و گسترش، بعضاً امکان برخورد و مبارزه جدی را دشوار کرده است. به عنوان نمونه، نهادها و دستگاه‌های دولتی و مناطق آزاد گمرک به صورت مستقیم و غیرمستقیم در قاچاق یا پخش کالای قاچاق به شکل‌های مختلف نقش دارند، از جمله مناطق آزاد با نقش تقریباً نمایشگاهی و فروشگاه‌های از یک‌سو، موجب تشویق درون و برون منطقه‌ای تقاضا شده و بیکاران را به سوی مشارکت در قاچاق می‌کشاند و از سوی دیگر، خود یکی از قطب‌های بزرگ برای واردات کالا به داخل کشور شده‌اند. بخش بزرگی از کالاهایی که در شهرها و مغازه‌ها به فروش می‌رسند به صورت رسمی و قانونی از جمله توسط مسافران پروازهای خارجی، تعاونی مرزنشین‌ها و بازارچه‌های مرزی و خدمه شناورهای مجاز وارد شده و عرضه می‌شوند. همچنین، کالاهای سنگین و پر حجم مانند لوازم خانگی، خودرو و غیره که توسط شبکه‌های رسمی قاچاق به صورت قانونی و با مجوز ارگان‌های دولتی وارد شده و به فروش می‌رسند. در برخی گمرک‌ها با جعل اظهارنامه، درج نکردن درست کالاهای مربوطه در اظهارنامه‌ها و توجه نکردن به بیانیه‌ها (مانیفست‌ها)<sup>۱</sup> عملاً زمینه ورود کالا

1. Manifestos



فراهم می‌شود. در این میان، سیاست‌های اقتصادی نادرستی همانند ممنوعیت واردات و صادرات، عوارض گمرکی بالا و تشریفات طولانی در زمان ورود و خروج باعث شیوع قاچاق در کشور شده است (زمانیان و محمد نژاد، ۱۳۹۰، ص ۷). همچنین، نرخ تعرفه‌ها، ریسک پایین قاچاق کالا، نرخ ارز در بازار سیاه و نرخ ارز رسمی و شاخص قیمت کالاهای وارداتی و درآمدهای عمومی دولت، بالا بودن تقاضا، آگاهی ناکافی جامعه، کیفیت پایین تر و قیمت بالاتر اجناس تولید داخل کشور، بالا بودن نسبی نرخ بیکاری، وجود موانع و ضوابط غیرضروری و دست و پا گیر بر سر راه واردات قانونی و غیره سبب رشد و فراگیری قاچاق شده است (طالبیان و الیاسوند، ۱۳۹۳، ص ۶۶). با توجه به موارد ذکر شده پر واضح است که سازمان پلیس به‌تنهایی قادر به پیشگیری و کشف این حجم از قاچاق کالا توسط باندها و گروه‌های سازمان یافته نیست.

### روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت و روش توصیفی - تحلیلی با استفاده از تکنیک پیمایشی است که از ابزار پرسشنامه محقق ساخته جهت جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش شامل ۲۱۵۰ نفر از مدیران و کارشناسان نیروی انتظامی، ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز، سازمان گمرک و سازمان تعزیرات حکومتی است. برای مشخص شدن تعداد نمونه، براساس فرمول کوکران از مجموع ۲۱۵۰ کارشناسان پلیس، سازمان‌های گمرک، ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز و تعزیرات حکومتی، تعداد ۴۰۰ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند، سپس برای هر طبقه، نسبت (سه‌م) جامعه نمونه با توجه به نسبت جمعیت هر طبقه به کل جامعه، به دست آمد و از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای برای گردآوری داده‌ها استفاده شد. در این پژوهش از روایی صوری و سازه بهره گرفته شده است؛ برای تأمین روایی صوری از نظر خبرگان نیروی انتظامی، گمرک، سازمان تعزیرات و ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز برای تأمین روایی سازه هم از هم‌سویی با چارچوب نظری تحقیق استفاده شده است. سنجش پایایی نیز با ضریب آلفای کرونباخ به مقدار کلی ۰/۸۸ تأیید شد.

## جدول ۱ - ضریب آلفای کرونباخ

مؤلفه‌ها	ضریب
ساختار سازمانی	۰/۹۰
راهبرد سازمانی	۰/۹۴
اختیارات قانونی	۰/۸۴
تکنولوژی و فناوری اطلاعات	۰/۹۳
حساسیت و نگاه کلان	۰/۸۷
سرمایه‌گذاری	۰/۸۲
ضریب کلی	۰/۸۸

پرسش‌نامه محقق ساخته این پژوهش براساس مطالعات مقدماتی، مبانی نظری و مصاحبه با خبرگان و به منظور شناسایی ابعاد و مؤلفه‌ها و شاخص‌های موضوع پژوهش طراحی شد. از پرسش‌شوندگان در ستون اول پرسشنامه درخواست شد که میزان اهمیت هر شاخص را در هر یک از وضعیت‌های موجود و مطلوب مورد ارزیابی قرار دهند. لازم به توضیح است، منظور از وضع موجود این است که هر کدام از شاخص‌ها در حال حاضر تا چه حد در سازمان پلیس اجرایی شده‌اند. وضع مطلوب در این پژوهش نیز به موقعیتی اشاره دارد که پلیس تسلط کامل بر ورود و خروج کالا از کشور از مبادی رسمی و غیر رسمی داشته باشد و پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا براساس نظر پاسخ‌دهندگان در خصوص برنامه‌ها و چشم‌اندازها در کشور است؛ یعنی اینکه از نظر پرسش‌شونده با توجه به روندها، رویکردها و عوامل محیطی پلیس، تا چه حد امکان اجرایی کردن و پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا وجود دارد.

## یافته‌های تحقیق

## جدول ۲ - ویژگی‌های شغلی جامعه نمونه پژوهش

ردیف	شغل پاسخ‌دهندگان	فراوانی	درصد	فراوانی تجمعی
۱	بدون پاسخ	۱	۰/۲	۰/۲
۲	کارشناس	۲۷۷	۶۹/۳	۶۹/۵
۳	مدیر	۱۱۴	۲۸/۵	۹۸
۴	هیئت علمی	۸	۲	۱۰۰
۵	جمع	۴۰۰	۱۰۰	

با توجه به جدول ۲، بیش‌ترین درصد پاسخ‌دهندگان با ۶۹/۳ درصد کارشناس و پس از آن به ترتیب مربوط به گروه مدیران با ۲۸/۵ درصد و هیئت علمی با ۲ درصد هستند.

جدول ۳- سازمان محل خدمت پاسخ دهندگان جامعه نمونه پژوهش

ردیف	سازمان پاسخ دهندگان	فراوانی	درصد	فراوانی تجمعی
۱	بدون پاسخ	۱	۰/۲	۰/۲
۲	نیروی انتظامی	۲۳۰	۵۷/۵	۵۷/۸
۳	گمرک	۵۰	۱۲/۵	۷۰/۳
۴	ستاد قاچاق کالا	۸۴	۲۱	۹۱/۳
۵	تغزیرات حکومتی	۳۵	۸/۸	۱۰۰
۶	جمع	۴۰۰	۱۰۰	

با توجه به جدول ۳، بیش‌ترین درصد پاسخ‌دهندگان با ۵۷/۵ درصد مربوط به نیروی انتظامی و پس از آن به ترتیب ۲۱ درصد مربوط به ستاد قاچاق کالا، ۱۲/۵ درصد گمرک و ۸/۸ درصد مربوط به سازمان تغزیرات حکومتی هستند.

**بررسی نرمال بودن داده‌ها:** بررسی نرمال بودن داده‌ها یکی از مراحل مهم یک تحلیل آماری به شمار می‌رود؛ چراکه اگر توزیع داده‌ها نرمال باشد باید از آزمون‌های پارامتریک و در صورتی که غیرنرمال باشد، باید از آزمون‌های ناپارامتریک برای آن‌ها استفاده شود. با توجه به اینکه تعداد داده‌ها بیش از ۱۰۰ نمونه است، لذا از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن داده‌ها استفاده شده است و نتایج برابر جدول ۴ به دست آمد.

جدول ۴- بررسی نرمال بودن مؤلفه‌های اجزای ساختاری پلیس

اجزای ساختاری پلیس	ساختار سازمانی	راهبرد سازمانی	اختیارات قانونی	فناوری اطلاعات	حساسیت و نگاه کلان به باندهای قاچاق کالا	سرمایه‌گذاری پلیس در پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق
سطح معناداری	۰/۰۶۱	۰/۱۱۲	۰/۰۷۴	۰/۰۶۶	۰/۰۸۱	۰/۰۹۵
تعداد کل	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰

با توجه به جدول ۴، خروجی آزمون نشان می‌دهد سطح معناداری آزمون کولموگروف - اسمیرنوف در مورد مؤلفه‌های موردنظر بیشتر از ۰/۰۵ است. بنابراین، توزیع مؤلفه‌های اجزای ساختاری پلیس نرمال بوده و با احتمال ۹۵ درصد می‌توان بیان کرد که در تحلیل مؤلفه‌های مذکور باید از آزمون‌های پارامتریک استفاده شود.

**تیبین وضعیت اجزای ساختاری:** برای تبیین وضعیت اجزای ساختاری پلیس برای پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا از آزمون تی - تک نمونه‌ای استفاده شد که نتایج به شرح جدول ۵ به دست آمده است.

**جدول ۵- نتایج آزمون تی- تک نمونه‌ای اجزای ساختاری پلیس**

انحراف از میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد
۰/۰۱۵	۰/۳۰۱	۳/۸۱	۴۰۰

**جدول ۶- نتایج آزمون تی- تک نمونه‌ای اجزای ساختاری پلیس**

فاصله اطمینان با اختلاف ۹۵ درصد	خطای انحراف از میانگین	سطح معناداری	درجه آزادی	مقدار T	
				حد بالا	حد پایین
۰/۸۴	۰/۷۸	۰/۰۰۰	۳۹۹	۵۳/۸۷۴	

در بررسی جدول ۶، سطح معناداری ۰/۰۰۰ است که این مقدار از ۰/۰۵ کمتر است، بنابراین فرضیه صفر مبنی بر متوسط بودن میزان تأثیر اجزای ساختاری پلیس برای پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا رد می‌شود، ولی با توجه به اینکه حدود اطمینان (کران‌های بالا و پایین فاصله اطمینان) هر دو مثبت هستند، لذا میزان تأثیر اجزای ساختاری پلیس برای پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا بیش از حد متوسط و در سطح زیاد ارزیابی می‌شود. بنابراین، با اطمینان ۰/۹۵ این امر پذیرفته می‌شود.

بررسی شکاف بین وضعیت موجود و مطلوب در اجزای ساختاری پلیس: برای بررسی «شکاف بین وضعیت موجود و مطلوب در اجزای ساختاری پلیس در پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا» از آزمون تی- زوجی استفاده شد که نتایج به شرح جداول ۷ و ۸ به دست آمده است.

**جدول ۷- نتایج آزمون تی- زوجی در بعد اجزای ساختاری**

آماره	میانگین	تعداد	انحراف معیار	خطای انحراف از میانگین
تفاوت وضع موجود و مطلوب در بعد	۱/۹۸	۴۰۰	۰/۳۵۶	۰/۰۱۸
اجزای ساختاری	۳/۸۱	۴۰۰	۰/۳۰۱	۰/۰۱۵

نتایج جدول ۷ نشان می‌دهد که میانگین نظرات پاسخگویان در بعد اجزای ساختاری در وضع موجود برابر ۱/۹۸ و میانگین وضع مطلوب برابر ۳/۸۱ است. به طوری که در وضع مطلوب میانگین بالاتر از حد متوسط است.

## جدول ۸- نتایج آزمون تی- زوجی (بررسی تفاوت میانگین‌های وضع موجود و مطلوب)

آماره	تفاوت میانگین‌ها				مقدار آزمون تی	درجه آزادی	سطح معناداری
	میانگین	انحراف معیار	خطای انحراف از میانگین	حدود اطمینان حد پایین			
تفاوت وضع موجود و مطلوب در بعد اجزای ساختاری	-۱/۸۳۰	۰/۵۳۷	۰/۰۲۷	-۱/۸۸۳	-۶۸/۳۰۱	۳۹۹	۰/۰۰۰

در جدول ۸، سطح معناداری ۰/۰۰۰ است که مقداری کمتر از ۰/۰۵ است، بنابراین فرضیه صفر مبنی بر عدم تفاوت در میانگین‌های وضع موجود و مطلوب رد می‌شود که دلالت بر وجود شکاف معناداری دارد. همچنین، با توجه به منفی بودن حدود اطمینان میانگین تفاوت‌ها، اجزای ساختار در وضع موجود در سطحی کمتر از وضع مطلوب است. در بررسی میانگین وضعیت موجود و مطلوب در اجزای ساختاری پلیس نتایج به شرح جدول ۹ به دست آمده است.

## جدول ۹- وضعیت موجود و مطلوب اجزای ساختاری پلیس

ردیف	مؤلفه‌های اجزای ساختاری پلیس	میانگین نمره	
		وضعیت موجود	وضعیت مطلوب
۱	ساختار سازمانی	۱/۴	۴/۳
۲	راهبرد سازمانی	۱/۴۲	۴/۱۹
۳	اختیارات قانونی	۳/۰۳	۳/۴۵
۴	فناوری اطلاعات	۱/۶۷	۴/۴۱
۵	حساسیت و نگاه کلان	۱/۵۱	۴
۶	سرمایه‌گذاری	۲/۵۵	۲/۸۶

برابر نتایج جدول ۹، مشخص می‌شود بیش‌ترین میانگین نمره در وضعیت مطلوب مربوط به فناوری اطلاعات (۴/۴۱) و کم‌ترین نمره در وضعیت مطلوب مربوط به سرمایه‌گذاری پلیس است. همچنین، در وضعیت موجود بیش‌ترین میانگین نمره مربوط به اختیارات قانونی پلیس (۳/۰۳) و کم‌ترین نمره در وضعیت موجود مربوط به ساختار سازمانی (۱/۴) است.

میزان تأثیرگذاری مؤلفه‌های اجزای ساختاری پلیس در پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا: برای بررسی میزان تأثیرگذاری مؤلفه‌های اجزای ساختاری پلیس در پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا در وضعیت مطلوب از آزمون رتبه‌بندی فریدمن استفاده شد که نتایج به شرح جداول ۱۰ و ۱۱ به دست آمده است.

## جدول ۱۰ - آزمون فریدمن

تعداد	۴۰۰
مقدار خی دو	۹۸۰/۷۸۷
درجه آزادی	۵
سطح معناداری	۰/۰۰۰

با توجه به مقدار خی دو که ۹۸۰/۷۸۷ و سطح معناداری که ۰/۰۰۰ است، می‌توان با اطمینان ۹۵ درصد بیان کرد رتبه‌بندی فریدمن معتبر است.

## جدول ۱۱ - رتبه‌بندی مؤلفه‌های اجزای ساختاری در وضعیت مطلوب

ردیف	اجزای ساختاری پلیس	میانگین رتبه
۱	فناوری اطلاعات	۴/۷۳
۲	ساختار سازمانی	۴/۴۵
۳	راهبرد سازمانی	۴/۱۳
۴	حساسیت و نگاه کلان	۳/۶۷
۵	اختیارات قانونی	۲/۶۶
۶	سرمایه‌گذاری	۱/۳۷

همان‌طور که در جدول ۱۱ مشخص است، فناوری اطلاعات با میانگین رتبه ۴/۷۳ در رتبه اول، ساختار سازمانی با میانگین ۴/۴۵ در رتبه دوم، راهبرد سازمانی با میانگین ۴/۱۳ در رتبه سوم، حساسیت و نگاه کلان با میانگین ۳/۶۷ در رتبه چهارم، اختیارات قانونی با میانگین ۲/۶۶ در رتبه پنجم و سرمایه‌گذاری با میانگین ۱/۳۷ در رتبه آخر اهمیت برای پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا قرار دارند.

## بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش تبیین اجزای ساختاری پلیس شامل ساختار سازمانی، راهبرد سازمانی، اختیارات قانونی، فناوری اطلاعات، حساسیت و نگاه کلان و سرمایه‌گذاری پلیس در پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا در وضعیت موجود و مطلوب است. از آنجا که رفتار باندهای قاچاق و قاچاقچیان بسیار پیچیده، جرائم آن‌ها متعدد و شگردهای ارتکاب جرائم آن‌ها هم‌گوناگون است، بنابراین برای پیشگیری و مقابله با آن‌ها باید از روش‌های مختلفی استفاده کرد که این روش‌ها در اختیار نهادها و سازمان‌های متعدد است؛ یعنی اینکه در این زمینه پیشگیری امری فرا قوه‌ای است و مربوط به یک سازمان خاص همانند پلیس نیست، بلکه همه نهادها باید از وقوع آن به نوعی پیشگیری کنند و با تدابیر سازمان‌یافته و مدیریت متمرکز می‌توان این عمل را ارتقاء داد؛ در غیر این صورت

موازی کاری نه تنها مؤثر نخواهد بود، بلکه موجب بی‌نظمی و صرف هزینه‌های فراوان و نارضایتی عمومی خواهد شد.

در وضعیت کنونی کشور، باندها و گروه‌های قاچاق با برنامه‌ریزی دقیق و هدفمند با همکاری برخی افراد در مبادی رسمی اقدام به قاچاق کالا به داخل کشور می‌کنند. این اقدام به دلیل مشکلات ساختاری اقتصاد و عدم نظارت دقیق بر مبادی رسمی ورودی و خروجی کشور است که برخی به راحتی کالای قاچاق از این مبادی وارد می‌کنند. بنابراین، باید ساختارهای گمرک و مبادی رسمی اصلاح شود تا قاچاقچیان نتوانند به راحتی این حجم بالای کالا را وارد کشور کنند. در وضعیت موجود، قاچاق گسترده کالا در کشور در حالی رخ می‌دهد که کشور ما مطابق اسناد بالادستی از قبیل سند چشم‌انداز ۲۰ ساله، برنامه ششم توسعه و راهنمایی‌های مقام معظم رهبری آینده‌ای روشن را در زمینه اقتصادی پیش رو دارد. به همین دلیل، هر سازمان، نهاد و فردی باید در جستجوی راهبردهایی برای کمک به این امر باشد. در این میان، پلیس هم به‌نوبه خود نقش بسزایی در امنیت اقتصادی دارد و مهم‌ترین نقش آن می‌تواند گرایش به سمت اقدامات پیش‌دستانه و پیشگیرانه در زمینه ناامنی‌های احتمالی اقتصادی باشد. البته تاکنون پلیس در مقابله با ورود و خروج کالای قاچاق در کشور توفیق چشمگیری نداشته است؛ زیرا عوامل متعددی باعث شده تا روش‌های پیشین مقابله با قاچاق سودمند نباشند. فقدان سودمندی روش‌های پیشین به تمرکز بر روی عوامل سلبی قاچاق یعنی روش‌های پلیسی و قضایی که تا حدودی می‌توانست از ورود و خروج کالاهای قاچاق پیشگیری کند، برمی‌گردد. این در حالی است که عوامل ایجابی قاچاق کالا یعنی بسترسازی و زمینه‌سازی و روش‌های پیشگیری از قاچاق کالا از سوی سایر سازمان‌ها و پلیس مورد توجه چندانی واقع نشده است.

بر مبنای اهداف این پژوهش، تقسیم‌بندی خاصی از عوامل مؤثر در سازمان پلیس برای پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا صورت گرفته است. در این تقسیم‌بندی، با توجه به اینکه صرفاً عوامل مؤثر در نقش پیشگیرانه پلیس مدنظر پژوهشگران است، بنابراین عوامل فردی و محیطی کلان (از قبیل عوامل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جامعه) جهت رعایت تحدید مصادیق مورد بررسی قرار نگرفتند، لذا عوامل مؤثر بر پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا بر حسب وضعیت موجود و رسیدن به وضعیت مطلوب پلیس در قالب شش مؤلفه راهبرد سازمانی، ساختار سازمانی، اختیارات

قانونی، فناوری اطلاعات، حساسیت و نگاه کلان به باندهای قاچاق کالا و سرمایه‌گذاری در پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا احصاء شدند.

با توجه به یافته‌های این پژوهش مشخص شد که در وضعیت موجود هرچند «پلیس مبارزه با قاچاق کالا» وظیفه مبارزه با قاچاق کالا را بر عهده دارد، اما گذشت بیش از چند سال از تشکیل این پلیس به عنوان یکی از یگان‌های زیر مجموعه پلیس آگاهی و مشخص نبودن راهبردهای این پلیس در زمینه پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا و اجرایی نشدن بسیاری از تدابیر پیشگیرانه، نشانگر این است که پلیس از قدرت اجرایی بالایی در این زمینه برخوردار نیست. از این‌رو، جهت اجرای برنامه‌های پیشگیری از قاچاق کالا، با توجه به تجارب کسب شده جهت عملیاتی شدن و فراتر از آن، جهت اثربخشی و کارایی اقدامات، ضرورت وجود پلیسی هدفمند و با قدرت اجرایی بالا (همانند ساختار موجود پلیس فتا) در زمینه پیشگیری و مقابله با قاچاق کالا در ساختار فعلی پلیس احساس می‌شود. همچنین، در وضعیت موجود، اختیارات قانونی پلیس برای پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق ضعیف است؛ زیرا تدابیر پیشگیرانه قانون مبارزه با قاچاق کالا عمدتاً ناظر بر پیشگیری از جرائم بزهکاران یقه آبی و بزهکاری غیرسازمان‌یافته در منطقه خاصی از کشور است و تکلیف یا اختیاری برای پلیس در زمینه پیشگیری از شکل‌گیری و رشد باندهای قاچاق کالا مشخص نشده است. در حالی که با وجود گستردگی قاچاق باندهای سازمان‌یافته کالا و همچنین فرصت‌های موجود برای یقه سفیدان، ایجاد تدابیر بیشتری برای اقدامات پلیس در این زمینه ضروری می‌کند. البته مقنن از گذر برنامه‌هایی با کارکرد یکپارچه‌سازی اطلاعات، الکترونیکی کردن اسناد و نظارت فناورانه بر مبادی ورودی و خروجی و مسیرها در صدد پیشگیری از قاچاق کالا است. لیکن، پلیس در وضعیت موجود در استفاده و بهره‌برداری از این فناوری‌ها، دسترسی و اختیاری جهت برنامه‌ریزی برای پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا ندارد و این وضعیت منجر به ضعف در نظام جامع آماری، نبود اطلاعات دقیق از قاچاقچیان و دانه‌درشت‌ها و وضعیت نامناسب مقابله پلیس در این خصوص شده است. از سوی دیگر، وجود دستگاه‌های متعدد و موازی تصمیم‌گیر و نیز بخشی‌نگری سازمان‌ها و نهادهای دولتی و غیردولتی منجر به مشکلات متعددی مانند ضعف در حساسیت و نگاه مسئولان و برنامه‌ریزان پلیس، عدم سرمایه‌گذاری در این زمینه و از همه مهم‌تر عدم دستیابی به امنیت اقتصادی در کشور شده است.



در این پژوهش، برای بررسی «شکاف بین وضعیت موجود و مطلوب اجزای ساختاری پلیس در پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا» از آزمون تی- زوجی استفاده شد که نتایج این آزمون دلالت بر وجود شکاف معنادار وضعیت موجود و مطلوب دارد. همچنین، با توجه به منفی بودن حدود اطمینان میانگین تفاوت‌ها، اجزای ساختاری در وضع موجود در سطحی کمتر از وضع مطلوب پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا هستند. به عبارتی، میانگین نمرات وضع مطلوب بالاتر از وضع موجود است و بین این دو وضعیت، تفاوت معناداری وجود دارد.

در بررسی وضعیت موجود و مطلوب اجزای ساختاری پلیس و تفکیک مؤلفه‌های آن مشخص شد که در وضعیت موجود، بیش‌ترین میانگین نمره مربوط به اختیارات قانونی پلیس، سپس به ترتیب سرمایه‌گذاری، فناوری اطلاعات، حساسیت و نگاه کلان، راهبرد سازمانی و کم‌ترین نمره در وضعیت موجود مربوط به ساختار سازمانی است. همچنین، در بررسی وضعیت مطلوب اجزای ساختاری پلیس مشخص شد، میانگین نمرات برای رسیدن به وضعیت مطلوب به ترتیب فناوری اطلاعات، سپس راهبرد سازمان، ساختار سازمانی، حساسیت و نگاه کلان و کم‌ترین نمره در وضعیت مطلوب مربوط به سرمایه‌گذاری پلیس است. نتایج آزمون رتبه‌بندی مؤلفه‌های اجزای ساختاری پلیس برای رسیدن به وضعیت مطلوب بیانگر این موضوع است که فناوری اطلاعات در رتبه اول اهمیت، ساختار سازمانی در رتبه دوم، راهبرد سازمانی در رتبه سوم، حساسیت و نگاه کلان در رتبه چهارم، اختیارات قانونی در رتبه پنجم و سرمایه‌گذاری در رتبه ششم اهمیت قرار دارند.

نتایج این پژوهش با پژوهش بیابانی، هندیانی و مقیمی (۱۳۹۶) از این حیث که ساختار و راهبردهای سازمانی فعلی پلیس متناسب با شکل‌گیری و رشد باندهای قاچاق کالا گسترش نیافته، هم‌سویی و مطابقت دارد. همچنین، نتایج این پژوهش از حیث اینکه اختیارات قانونی پلیس در وضعیت مطلوب می‌تواند تأثیر زیادی در پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا داشته باشد و استفاده از سامانه‌های جامع الکترونیکی به جای نیروی انسانی و سامان دادن گمرک و نظام ترانزیتی با پژوهش اکبری و اکرمی (۱۳۹۵) منطبق است. از سوی دیگر، نتایج این پژوهش با پژوهش علی‌دادی کوزری (۱۳۹۳) از این حیث که جهت کنترل و پیش‌بینی وضعیت آتی قاچاق کالا در ایران و جلوگیری از تبدیل شدن آن به بحران باید پیشگیری در اولویت قرار گیرد، هم‌سویی وجود

دارد. همچنین، نتایج این پژوهش با پژوهش‌های جان پرور و قصری (۱۳۹۳) و گل پروری (۱۳۸۹) که به شناسایی و تبیین عوامل اثرگذار بر قاچاق کالا از دیدگاه‌های غیرسازمانی پرداخته‌اند و پژوهش صوفی (۱۳۸۳) که به نقش پلیس از لحاظ اجزای محتوایی پرداخته است، هم سو نیست. نکته دیگر آنکه، پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه، فاقد جامعه آماری متخصص و گسترده همانند پژوهش حاضر هستند.

با توجه به نتایج حاصل از این پژوهش، باید گفت که پلیس در پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا در اجزای ساختاری دارای آسیب‌ها و نقاط ضعف فراوانی در ساختار سازمانی، راهبردهای سازمانی، استفاده از فناوری اطلاعات، اختیارات قانونی، حساسیت و نگاه کلان و سرمایه‌گذاری است. بنابراین، برای رفع این آسیب‌ها و ضعف‌ها و رسیدن به وضعیت مطلوب، پلیس نیازمند تقویت این آسیب‌ها و نقاط ضعف و طراحی برنامه‌های تأثیرگذار پیشگیرانه است. بنابراین، پیشنهاد می‌شود پلیس برای پیشگیری از شکل‌گیری باندهای قاچاق کالا و همچنین نقش‌آفرینی در افزایش توان مقاومتی و تقویت اقتصاد ملی تلاش کند تا این مهم را در قالب اقداماتی از قبیل موارد زیر اجرا کند: - ایجاد ساختار سازمانی مناسب و مجزا برای پیشگیری و مقابله با قاچاق کالای باندى و سازمان یافته؛

- انجام اقدامات پیش‌دستانه و پیشگیرانه و تمرکز بر روی علل مولد قاچاق اعم از علل فرآیندی، ساختاری، تقنینی و راهبردی؛

- حساسیت، تغییر نگاه و تشدید اقدامات مقابله‌ای و تمرکز بر روی پیشگیری از قاچاق سازمان یافته و کلان با استفاده از فناوری‌های جدید؛

- شناسایی ضعف در قوانین و سیاست‌ها و برنامه‌های موجود و تدوین اهداف مربوط به مسائل اولویت‌دار برای رسیدن به وضعیت مطلوب پیشگیری؛

- سرمایه‌گذاری برای ریشه‌یابی جرم قاچاق در حوزه سرزمینی استان‌ها.

## تشریح و قدردانی

در پایان از سرکار خانم دکتر شادی عظیم‌زاده و جناب آقای دکتر عابدین صفری کارودی که با حساسیت و جدیت در این پژوهش همراه با پژوهشگران بوده و از مسئولان گرانمایه پلیس مبارزه با قاچاق کالا جناب سرهنگ قدمی، جناب سرهنگ بهرامی و جناب سرهنگ امینی که دلسوزانه با ما همکاری داشتند و جناب سرهنگ

جهانگیرپور ویراستار علمی فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی که بسیار متعهدانه و با دقت، ویراستاری علمی این پژوهش را انجام داده‌اند، صمیمانه سپاسگزاریم.

## منابع

### منابع فارسی

- ابراهیم‌زاده آسمین، حسن و عباسیان، مجتبی (۱۳۸۹). بررسی دلایل و عوامل قاچاق در استان سیستان و بلوچستان و راهکارهای رفع آن. *دو ماهنامه توسعه انسانی پلیس*. ۷(۴) (پیاپی ۳۱)، صص ۱۰۹-۱۳۰.
- اکبری، عاطفه و اکرمی، سام (۱۳۹۵). نقش پلیس در پیشگیری از جرم قاچاق کالا. *فصلنامه مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه*. ۲(۳/۱)، صص ۳۴-۴۵. بازیابی از: <https://b2n.ir/44929>
- بیابانی، غلامحسین؛ هندیانی، عبدالله و مقیمی، محمدرضا (۱۳۹۶). تبیین نقش ناجا در مقابله با جرائم سازمان‌یافته. *پژوهش‌نامه نظم و امنیت انتظامی*. ۲(۳۸)، صص ۱۰۱-۱۰۸. بازیابی از: <https://b2n.ir/43694>
- داودی دهقانی، ابراهیم (۱۳۹۶). *الگوی مدیریت پیشگیری انتظامی از جرم با رویکرد اطلاعات محور*. رساله دکتری رشته مدیریت پیشگیری از جرم. دانشکده فرماندهی و ستاد دانشگاه علوم انتظامی امین.
- جان پرور، محسن و قصری، محمد (پاییز ۱۳۹۳). تبیین عوامل اثرگذار بر قاچاق کالا در طول مرزها راهبرد اولیه مدیریت مرزهای ایران. *پژوهشنامه جغرافیای انتظامی*. ۲(۷)، صص ۵۵-۸۶. بازیابی از: <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1075194>
- حاجیانی، ابراهیم (اسفند ۱۳۸۸). کاربرد تحلیل شبکه‌ای در پیشگیری از جرائم سازمان‌یافته. *مجموعه مقالات همایش ملی پیشگیری از جرم*. تهران: مرکز تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا.
- گل پرور، حسن (۱۳۸۹). *سیاست جنایی ایران در قبال جرائم قاچاق و جرائم گمرکی*. رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی. رساله دکتری. دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۹). *جامعه‌شناسی (حسن چاووشیان، مترجم)*. تهران: نشر نی. (چاپ هفتم).
- فصیحی، حبیب اله و منصور قناعی، جمشید (۱۳۸۸). *گزارش وضعیت قاچاق کالا در*

- ایران و چند کشور متناظر (از نظر قوانین و عملکرد دستگاه‌ها، ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز). تهران: معاونت پژوهش و آمار و اطلاعات.
- قاسمی، بهروز و بهرامی، محسن (۱۳۸۴). آسیب‌شناسی قاچاق کالا در ایران. تهران: نشر فارابی (چاپ اول).
- سبحانی نژاد و افشار (بهمن ۱۳۸۸). علل ناکارآمدی مقابله با قاچاق. مجله معرفت. ۱۸ (۱۴۶)، صص ۱۶۱-۱۷۷. بازیابی از:  
<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/566545>
- سلیمی، علی و داوری، محمد (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی کجروی (ویراست دوم). قم: نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (چاپ چهارم).
- سلیمی، اکبر (۱۳۹۶). ارائه الگوی مدیریت پیشگیری اجتماعی نیروی انتظامی از بزهکاری نوجوانان (مورد مطالعه کلانشهر تهران).. رساله دکتری رشته مدیریت پیشگیری از جرم. دانشکده فرماندهی و ستاد. دانشگاه علوم انتظامی امین.
- شادنیا، هوشنگ (۱۳۸۴). قاچاق کالا و امنیت اجتماعی. مجموعه مقالات امنیت اجتماعی. تهران: نشر آشنا.
- علیدادی کوزری، عباس (۱۳۹۵). تبیین و ارائه الگوی ارتباط پیشگیری از بحران قاچاق کالا با رویکرد سیکل‌های تجاری (مورد مطالعه ایران). رساله دکتری. پژوهشکده مدیریت پژوهشگاه مهندسی بحران‌های طبیعی شاخص پژوه.
- زمانیان، فتح اله و محمد نژاد، مریم (۱۳۹۰). پی‌جویی قاچاق کالا. تهران: نشر کارآگاه.
- طالبیان، حسین و الیاسوند، امین (۱۳۹۳). نقش پیشگیری اجتماعی در کاهش قاچاق کالا و ارز. فصلنامه کارآگاه. ۷ (۲۷)، صص ۶۵-۸۰. بازیابی از: <https://b2n.ir/85455>
- محمدنسل، غلامرضا و جزینی علیرضا (۱۳۸۹). راهبردهای توانمندسازی کارکنان ناجا در پیشگیری از جرم. مجموعه مقالات همایش علمی تخصصی توانمندسازی کارکنان پلیس. دفتر تحقیقات کاربردی بازرسی کل ناجا.
- مومنی، رضا (بهار ۱۳۹۳). تأثیر آماری نیروی انتظامی بر احساس امنیت شهروندان (شهر بیرجند). فصلنامه دانش انتظامی خراسان جنوبی. ۳ (۸)، صص ۷۳-۷۷. بازیابی از: <https://b2n.ir/92276>
- صبوری پور، مهدی و صفایی آتشگاه، حامد (۱۳۹۵). پیشگیری وضعی از قاچاق کالا در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲. مجله حقوقی دادگستری. ۸ (۹۳)،

صص ۱۷۵-۲۰۱.

- صوفی، علیرضا (۱۳۸۳). نقش پلیس در کنترل و مبارزه با جرائم اقتصادی با تأکید بر قاچاق کالا. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده فرماندهی و ستاد. دانشگاه علوم انتظامی امین.

#### منابع انگلیسی

- Becker, G.S. (1968). Crime and Punishment: An Economic Approach, Journal of Political Economy, No. 76, PP.169-217. Retrieved from: <https://www.jstor.org/stable/1830482>
- Cornish, D.B. & Clarke, R.V. (Eds.) (1986). "The Reasoning Criminal: Rational Choice Perspectives on Offending", New York. Retrieved from: <https://www.amazon.com/Reasoning-Criminal-Rational-Perspectives-Offending/dp>.

